

بسمه تعالی

فرم بلند پرسشنامه شخصیتی MMPI  
(۵۶۶ سؤالی)

پرسشنامه ی چند وجهی شخصیتی مینه سوتا

فرم بلند پرسشنامه MMPI

سؤالات پرسشنامه را به دقت بخوانید و طبق دستورالعمل زیر پاسخ دهید .

- ۱) تعداد سؤالات ۵۶۶ تا است. بدقت بخوانید و به همه سؤالات پاسخ دهید.
- ۲) جوابها را در پا سخنامه علامت بگذارید و از گذا شتن هر گونه علامت در پرسشنامه خودداری کنید. در مقابل هر سؤال دو دایره  وجود دارد ، که در بالای هر یک (بله) و (خیر) نوشته شده است.
- ۳) هر یک از سؤالات را به دقت بخوانید ، اگر در مورد شما صدق می کند با زدن علامت  در داخل دایره (بله) و اگر در مورد شما صدق نمی کند با زدن علامت  در داخل دایره (خیر) آن را پر کنید.
- ۴) اگر در مورد بعضی از سؤالات تقریباً و یا تا اندازه ای موفق هستند در داخل دایره ( بله ) علامت بگذارید.
- ۵) اگر در مورد بعضی از سؤالات تقریباً و یا تا اندازه ای مخالف هستید در داخل دایره (خیر) علامت بگذارید.
- ۶) لطفاً به تمام سؤالات پاسخ دهید . سعی کنید سؤالی را از قلم نیاندازید.

مثال : به نظر می رسد که هیچکس در زندگی مرا درک نمی کند.

بله   
خیر

کار یک کتابدار را دوست دارم.

بله   
خیر

- ۱- مجلات مکانیکی را دوست دارم.
- ۲- اشتهایم خوب است.
- ۳- صبح ها تر و تازه و استراحت کرده از خواب بیدار می شوم.
- ۴- فکر می کنم از شغل کتابداری خوشم بیاید.
- ۵- با مختصر صدایی از خواب بیدار می شوم.
- ۶- از خواندن مقالات جنائی در روزنامه خوشم می آید.

- ۷- دستها و پاها را معمولاً به اندازه کافی گرما و حرارت دارند.
- ۸- زندگی روزانه من پر از حوادثی هست که مرا علاقه مند نگاه می دارد.
- ۹- در میزان قدرت من برای کار کردن خللی وارد نشده است.
- ۱۰- اغلب اوقات حس می کنم که چیزی در گلویم گیر کرده است.
- ۱۱- انسان باید خوابهای خود را درک کند و از آنها الهام بگیرد.
- ۱۲- از داستانهای پلیسی و معمائی خوشم می آید.
- ۱۳- تحت فشار زیاد می توانم کار نکنم.
- ۱۴- در ماه یکبار و یا بیشتر اسهال می گیرم.
- ۱۵- گاهی اوقات راجع به موضوعاتی که صحبت درباره آنها خیلی ناپسند است فکر میکنم.
- ۱۶- مطمئن هستم که در زندگی سرم کلاه رفته است.
- ۱۷- پدرم مرد خوبی بود (هست).
- ۱۸- خیلی بندرت دچار بیوست می شوم.
- ۱۹- زمانیکه شغل جدیدی می گیرم دلم می خواهد کسی به من بگوید که با چه کسانی بیشتر در کارم باید نزدیک شوم.
- ۲۰- زندگی جنسی من رضایت بخش است.
- ۲۱- گاهی اوقات خیلی دلم می خواهد خانه و زندگی خودم را ترک کنم.
- ۲۲- گاهی اوقات به من حالات خنده و گریه دست می دهد که از کنترل آن عاجز هستم.
- ۲۳- ناراحتی های دل بهم خوردگی و استفراغ دارم.
- ۲۴- هیچکس مرا درک نمی کند.
- ۲۵- دلم می خواست خواننده می شدم.
- ۲۶- احساس می کنم وقتی گرفتاری برایم پیش می آید بهتر است حرفی نزده سکوت کنم.
- ۲۷- گاهیگاهی ارواح پلید بر وجودم مستولی می شوند.
- ۲۸- وقتی کسی به من بدی می کند احساس می کنم بخاطر اصول هم که باشد باید تلافی کنم.
- ۲۹- هفته ای چند بار معده ام توش می کند.
- ۳۰- گاهی اوقات دلم می خواهد فحش بدهم.
- ۳۱- هر چندشب یکبار خوابهای آشفته می بینم.
- ۳۲- برایم مشکل است روی یک کار و یا شغل تمرکز فکر داشته باشم.
- ۳۳- تجربیات عجیب و غریبی در زندگی خود داشته ام.
- ۳۴- اغلب اوقات سرفه می کنم.
- ۳۵- اگر مردم مانع من نمی شدند بیشتر از این ترقی می کردم.
- ۳۶- خیلی بندرت درباره سلامتی مزاج خودم دلواپسی دارم.
- ۳۷- هرگز بخاطر رفتارهای جنسی خودم دچار گرفتاری نشده ام.
- ۳۸- در یک دوره از زندگیم زمانیکه جوانتر بودم دزدیهای کوچکی می کردم.
- ۳۹- گاهی اوقات دلم می خواهد اشیاء اطرافم را خورد کنم.
- ۴۰- اغلب اوقات مایلیم گوشه ای نشسته و به خیالات خودم فرو بروم تا اینکه کاری انجام بدهم.
- ۴۱- خیلی از اوقات مثلاً چند روزدر هفته و یا چند ماه اتفاق افتاده است که کاری انجام نداده ام چون دست و دلم بکار نمی رفته است.
- ۴۲- خانواده ام از کاری که انتخاب کرده ام راضی نیستند.
- ۴۳- خواب من آشفته و ناراحت کننده است.
- ۴۴- اغلب اوقات مثل این است که همه جای سرم درد می کند.
- ۴۵- همیشه راست نمی گویم.
- ۴۶- قضاوت من از گذشته بهتر است.
- ۴۷- هفته ای یکبار و یا بیشتر ناگهان احساس گرمی در سراسر وجودم می کنم بدون اینکه ظاهراً علتی در کار باشد.
- ۴۸- وقتی با مردم هستم از شنیدن حرفهای خیلی ناراحت کننده ناراحت می شوم.
- ۴۹- خیلی بهتر بود اگر اغلب اوقات قوانین را دور می ریختند.

- ۵۰- گاهی روح از بدنم خارج می شود.
- ۵۱- مانند اغلب دوستانم از نعمت سلامتی برخوردار هستم.
- ۵۲- ترجیح می دهم از کنار دوستان دوران تحصیلی و یا اشخاصی که آنها را می شناسم ولی مدتهاست که آنها را ندیده ام رد بشوم و حرفی نزنم مگر این که آنها ابتدا با من صحبت کنند.
- ۵۳- یک روحانی می تواند با دعا خواندن و قرار دادن دست خود روی بیمار او را شفا دهد.
- ۵۴- اغلب اشخاصی که مرا می شناسند مرا دوست دارند.
- ۵۵- هیچوقت احساس درد در ناحیه قلب و یا سینه ام نمی کنم.
- ۵۶- وقتی بچه بودم بعلت غیبت یک یا چندبار موقتاً از مدرسه اخراج شدم.
- ۵۷- در میهمانی و مجالس خوب می توانم با دیگران گفتگو و صحبت کنم.
- ۵۸- همه وقایع همانطوریکه پیامبران کتب آسمانی پیشگویی کرده اند به حقیقت می پیوندد.
- ۵۹- خیلی از اوقات مجبور شده ام دستور از کسی بگیرم که کمتر از من می دانسته است.
- ۶۰- من هر روز تمام سر مقاله روزنامه ها را مطالعه نمی کنم.
- ۶۱- زندگی من صحیح و به قاعده نبوده است.
- ۶۲- بعضی از اعضاء بدنم اغلب اوقات احساس سوزش یا ضعف دارد و به خواب می رود.
- ۶۳- هیچوقت ناراحتی بخاطر کار کردن مزاحم نداشته ام.
- ۶۴- گاهی آنقدر در کاری اصرار می کنم که سایرین صبرشان را از دست می دهند.
- ۶۵- من پدرم را خیلی دوست داشتم (دارم).
- ۶۶- من در اطراف خود حیوانات و یا اشیاء و یا مردمی را می بینم که دیگران از دیدن آنها عاجز هستند.
- ۶۷- خیلی دلم می خواست مثل سایر مردم خوشحال بودم.
- ۶۸- هیچوقت در پشت سرم دردی احساس نکرده ام.
- ۶۹- خیلی شدید از نظر جنسی به همجنسان خود علاقه دارم.
- ۷۰- از بازیهای دخترانه یک زمانی لذت می بردم.
- ۷۱- تصور می کنم خیلی از مردم در اظهار ناراحتی های خود شان بخاطر برانگیختگی احساسات ترحم و شفقت آمیز سایرین زیاده روی می کنند.
- ۷۲- هر چند روز یکبار یا بیشتر احساس ناراحتی و دلشوره می کنم.
- ۷۳- من شخص مهمی هستم.
- ۷۴- خیلی از اوقات آرزو می کردم دختر بودم (اگر دختر هستید) هیچوقت از اینکه دختر هستم متأسف نبوده ام.
- ۷۵- گاهیگاهی عصبانی می شوم.
- ۷۶- اغلب اوقات افسرده و کسل هستم.
- ۷۷- از خواندن داستانهای عشقی لذت می برم.
- ۷۸- شعر را دوست دارم.
- ۷۹- احساسات من زود جریحه دار نمی شوند.
- ۸۰- گاهیگاهی سر به سر حیوانات می گذارم.
- ۸۱- فکر می کنم از کار یک جنگلبان خوشم بیاید.
- ۸۲- در مباحثات زود قانع می شوم.
- ۸۳- هر کس که بتواند و بخواهد زیاد کار کند شانس موفقیتش زیاد است.
- ۸۴- این روزها برای من مشکل است که امیدوار باشم که کاره ای خواهم شد.
- ۸۵- گاهیگاهی خیلی علاقه به اشیاء شخصی مردم مثل کفش، دستکش و غیره پیدا می کنم بطوریکه دلم می خواهد به آنها دست زده یا آنها را برابیم در حالیکه استفاده ای هم از آنها نمی کنم.
- ۸۶- اطمینان دارم که اعتماد به نفس در من وجود ندارد.
- ۸۷- دلم می خواهد گلفروشی کنم.
- ۸۸- معمولاً احساس می کنم که زندگی با ارزش است.
- ۸۹- معمولاً برای قبولاندن حقیقت به مردم احتیاج به مباحثه زیاد است.
- ۹۰- گاهیگاهی کار امروز را به فردا موکول می کنم.

- ۹۱- از اینکه با من شوخی کنند بدم نمی آید.
- ۹۲- دلم می خواهد پرستار شوم.
- ۹۳- فکرمی کنم اغلب مردم برای ترقی کردن به دروغ گویی متوسل می شوند.
- ۹۴- خیلی اعمال از من سر می زند که بعداً از آنها پشیمان می شوم (پشیمانی من خیلی بیشتر از سایرین است).
- ۹۵- اعمال مذهبی خود را مرتب انجام می دهم.
- ۹۶- خیلی بندرت با اعضاء خانواده ام مرافعه می کنم.
- ۹۷- گاهیگاهی احساس قوی دارم که کاری مضر و یا منجر کننده انجام دهم.
- ۹۸- اعتقاد به رستاخیز امام زمان دارم.
- ۹۹- دوست دارم به جشنها و سایر مراکزی که همراه با پایکوبی و سر و صدای بلند است بروم.
- ۱۰۰- بقدری با مشکلات متعدد برخورد کرده ام که نمی توانم درباره آنها تصمیم بگیرم.
- ۱۰۱- اعتقاد دارم که زنها باید به اندازه مردها در امور جنسی آزادی داشته باشند.
- ۱۰۲- مشکلترین جنگ و ستیزهای من با خودم است.
- ۱۰۳- ماهیچه های بدنم لرزش و پرش ندارند.
- ۱۰۴- اهمیتی نمی دهم که چه بر سرم بیاید.
- ۱۰۵- گاهی اوقات که حال خوب نیست عصبانی هستم.
- ۱۰۶- خیلی اوقات احساس می کنم کارخلاف و یا شیطانی انجام داده ام.
- ۱۰۷- اغلب اوقات خوشحال هستم.
- ۱۰۸- بیشتر اوقات مثل این است که سرم سنگین و دماغم گرفته است.
- ۱۰۹- بعضی از مردم بقدری همیشه دستور می دهند که احساس می کنم باید مخالف آنچه را که می خواهند انجام بدهم ولو اینکه بدانم حق با آنهاست.
- ۱۱۰- کسی نسبت به من خصومت دارد.
- ۱۱۱- هیچوقت بخاطر لذت کار پر مخاطره ای انجام نداده ام.
- ۱۱۲- اغلب اوقات احساس می کنم که لازم است در مقابل آنچه که فکر می کنم درست است ایستادگی نمایم.
- ۱۱۳- اعتقاد به اجرای قانون دارم.
- ۱۱۴- اغلب اوقات احساس می کنم که یک نوار محکمی دور سرم بسته شده است.
- ۱۱۵- به زندگی پس از مرگ معتقد هستم.
- ۱۱۶- از یکبازی و یا مسابقه زمانی بیشتر لذت می برم که بتوانم بر سر آن شرط بندی کنم.
- ۱۱۷- اکثر مردم درستکار هستند زیرا می ترسند اگر خلاف کنند گیر بیفتند.
- ۱۱۸- در مدرسه گاهی اوقات مرا به اتاق مدیر می بردند چون غیبت می کردم.
- ۱۱۹- لحن صحبت کردن من مثل همیشه است (نه تند نه آهسته و بدون گرفتگی)
- ۱۲۰- آداب غذا خوردن من بر سر سفره زمانیکه در خانه هستم بخوبی زمانیکه خارج از منزل غذا می خورم و یا در حضور مهمانان غریبه هستم نیست.
- ۱۲۱- معتقدم که بر علیه من نقشه می کشند.
- ۱۲۲- من مانند سایر اطرافیانم با هوش و با عرضه هستم.
- ۱۲۳- معتقدم که در تعقیب من هستند.
- ۱۲۴- بیشتر مردم سعی می کنند که از راههای نادرست منفعت کنند و یا پیرسرفت کنند و حاضر به چشم پوشی از این سود و پیرسرفت نیستند .
- ۱۲۵- دچار ناراحتی های شدید معده هستم.
- ۱۲۶- از نمایش خوشم می آید.
- ۱۲۷- می دانم چه کسی مسئول بیشتر گرفتاریهای من می باشد.
- ۱۲۸- دیدن خون باعث ترس و دل بهم خوردگی من نمی شود.
- ۱۲۹- اغلب اوقات نمی توانستم بفهمم چرا اینقدر عصبانی و بد خلق هستم.
- ۱۳۰- هیچوقت همراه با استفراغ و یا سرفه خود خون بالا نیاورده ام.
- ۱۳۱- از گرفتن بیماری و مرض ترس ندارم.

- ۱۳۲- به جمع آوری گل و رویاندن گیاهان خانگی علاقمند هستم.
- ۱۳۳- هیچوقت امور جنسی غیر طبیعی انجام نداده ام.
- ۱۳۴- برخی اوقات افکارم خیلی سریعتر از اینکه بتوانم درباره آنها صحبت کنم جولان داشته اند.
- ۱۳۵- اگر می توانستم بدون خرید بلیط به سینما بروم و مطمئن بودم کسی مرا نمی بیند احتمالاً اینکار را می کردم.
- ۱۳۶- اغلب اوقات فکر می کنم اشخاص چه دلیل پنهانی دارند که عملی خوب برای آدم انجام می دهند.
- ۱۳۷- معتقدم که زندگی خانوادگی من به خوشی زندگی کسانی که می شناسم می باشد.
- ۱۳۸- انتقاد و سرزنش باعث رنجش شدید من می شوند.
- ۱۳۹- گاهی اوقات احساس می کنم که باید خودم یا کس دیگری را مجروح نمایم.
- ۱۴۰- از آشپزی خوشم می آید.
- ۱۴۱- رفتار من خیلی زیاد بستگی به رفتار وعادات اطرافیانم دارد.
- ۱۴۲- بعضی اوقات احساس می کنم شخص بی فایده ای هستم.
- ۱۴۳- وقتی بچه بودم عضو یک دسته ای بودم که در خوب و بد هم شریک بودیم.
- ۱۴۴- دوست دارم سرباز بشوم.
- ۱۴۵- گاهی اوقات دلم می خواهد با کسی مشت بازی کنم.
- ۱۴۶- علاقه شدیدی به سیر و سیاحت دارم و هرگز خوشحال نیستم مگر اینکه اینطرف و آنطرف مسافرت کنم.
- ۱۴۷- اغلب اوقات متضرر شده ام . چون که نتوانستم زود تصمیم بگیرم.
- ۱۴۸- وقتی سرگرم کارمهمی هستم اگر عقیده مرا درباره موضوعی بپرسند و یا مزاحم کارم شوند ناراحت می شوم.
- ۱۴۹- در گذشته دفترچه خاطرات می نوشتم.
- ۱۵۰- ترجیح می دهم در بازی برنده شوم تا بازنده.
- ۱۵۱- کسی می خواهد مرا مسموم کند.
- ۱۵۲- اغلب شبها بدون افکار ناراحت کننده بخواب می روم.
- ۱۵۳- در ظرف چند سال گذشته اغلب اوقات سلامت بوده ام.
- ۱۵۴- هرگز حالت غش و تشنج نداشته ام.
- ۱۵۵- وزنم نه زیاد و نه کم می شود.
- ۱۵۶- گاهی از من اعمالی سرزده که بعداً که راجع به آنها فکر کرده ام نفهمیدم که چطور این اعمال از من سرزده است.
- ۱۵۷- احساس می کنم اغلب بی جهت تنبیه شده ام.
- ۱۵۸- خیلی به آسانی گریه ام می گیرد.
- ۱۵۹- نمی توانم آنچه را که می خوانم مثل سابق بفهمم.
- ۱۶۰- هرگز حالم بخوبی حالت فعلی نبوده است.
- ۱۶۱- گاهی اوقات مثل این است که مغز سرم نرم است.
- ۱۶۲- از اینکه اقرار کنم که کسی توانسته است سر مرا کلاه بگذارد بسیار ناراحت می شوم.
- ۱۶۳- زودخسته نمی شوم.
- ۱۶۴- دوست دارم راجع به کارهایی که انجام می دهم مطالعه کنم.
- ۱۶۵- دوست دارم اشخاص مهم را بشناسم زیرا احساس اهمیت می کنم.
- ۱۶۶- وقتی از جایی مرتفع به زمین نگاه می کنم دچار ترس می شوم.
- ۱۶۷- از اینکه بعضی از افراد خانواده ام دچار گرفتاری با مراجع قانونی شوند ناراحت می شوم.
- ۱۶۸- مغزم درست کار نمی کند.
- ۱۶۹- از محاسبه دخل و خرج و صرف پول ناراحت نیستم.
- ۱۷۰- آنچه دیگران درباره من فکرمی کنند مرا ناراحت نمی کند .
- ۱۷۱- از دلقت بازی در مجلس مهمانی ناراحت می شوم حتی اگر سایرین این نوع اعمال را انجام دهند.
- ۱۷۲- اغلب باید خودم جدال کنم که نشان ندهم خجالتی هستم.
- ۱۷۳- از مدرسه خوشم می آید.
- ۱۷۴- هیچوقت از حال نرفته ام.
- ۱۷۵- بندرت و یا هرگز دچار سرگیجه نشده ام.

- ۱۷۶- ازمار ترس زیاد ندارم.
- ۱۷۷- مادرم زن خوبی است (بود).
- ۱۷۸- حافظه ام بنظر خوب می آید.
- ۱۷۹- درباره امور جنسی مضطرب هستم.
- ۱۸۰- برابم مشکل است با کسانی که تازه با آنها آشنا شده ام گفتگو کنم.
- ۱۸۱- وقتی حوصله ام سر می رود دلم می خواهد شور و شر بپا کنم.
- ۱۸۲- می ترسم دیوانه بشوم.
- ۱۸۳- با پول دادن به فقرا مخالف هستم.
- ۱۸۴- اغلب اوقات صدا می شنوم بدون اینکه بدانم از کجا می آید.
- ۱۸۵- قوه شنوایی من ظاهراً بخوبی سایر مردم است.
- ۱۸۶- اغلب اوقات متوجه می شوم وقتی می خواهیم کاری انجام دهم دستم می لرزد.
- ۱۸۷- دستانم شل و بی اراده نشده اند.
- ۱۸۸- می توانم مدت مدیدی بدون اینکه چشمانم خسته شوند کتاب بخوانم.
- ۱۸۹- اغلب اوقات کاملاً احساس خستگی می کنم.
- ۱۹۰- خیلی کم دچار سردرد می شوم.
- ۱۹۱- گاهی اوقات وقتی ناراحت می شوم عرق نامطبوعی که باعث ناراحتی بیشترم می شود به من دست می دهد.
- ۱۹۲- هیچگونه ناراحتی درمورد حفظ موازنه بدنم هنگام راه رفتن نداشته ام.
- ۱۹۳- ناراحتی آسم و یا حساسیت دیگری که باعث حمله آسم بشود نداشتم.
- ۱۹۴- گاهیگاهی دچار حملاتی شده ام که ضمن آن نتوانسته ام کنترل حرکات و صحبتیم را داشته باشم در حالیکه متوجه آنچه در اطرافم گذشته است بوده ام.
- ۱۹۵- تمام اشخاصی را که می شناسم دوست ندارم.
- ۱۹۶- دوست دارم جاهایی را که قبلاً نبوده ام ببینم.
- ۱۹۷- کسی می خواسته از من دزدی کند.
- ۱۹۸- خیلی کم در عالم خیال فرو می روم.
- ۱۹۹- به کودکان باید حقایق امور جنسی را یاد داد.
- ۲۰۰- اشخاصی هستند که سعی دارند افکار و عقاید مرا بدزدند.
- ۲۰۱- دلم می خواست اینقدر خجالتی نبودم.
- ۲۰۲- فکر می کنم آدم بخت برگشته ای هستم.
- ۲۰۳- اگر خبرنگار بودم خیلی دلم می خواست اخبار تناثر را گزارش می دادم.
- ۲۰۴- دلم می خواست روزنامه نگار بودم.
- ۲۰۵- گاهی اوقات برابم غیرممکن است از دزدیدن اشیاء خودداری نمایم.
- ۲۰۶- خیلی بیشتر از سایر مردم مذهبی هستم.
- ۲۰۷- از انواع بازیها و تفریحات لذت می برم.
- ۲۰۸- دوست دارم که سر به سردیگران بگذارم.
- ۲۰۹- فکر می کنم که گناهانم غیر قابل بخشش هستند.
- ۲۱۰- همه چیز برابم یک مزه را می دهد.
- ۲۱۱- می توانم روزها بخوابم ولی شبها خوابم نمی برد .
- ۲۱۲- خانواده ام رفتارشان با من مثل یک بچه است نه مثل یک بزرگسال.
- ۲۱۳- ضمن راه رفتن دقت می کنم روی شکاف پیاده رو قدم نکذارم.
- ۲۱۴- هیچوقت بدنم جوش نزده است که باعث نگرانی من بشود.
- ۲۱۵- الکل زیاد مصرف کرده ام.
- ۲۱۶- در خانواده من با مقایسه با سایر خانواده ها علاقه و عشق خیلی کم وجود دارد.
- ۲۱۷- اغلب اوقات درباره موضوعی دلواپس هستم.
- ۲۱۸- ازدیدن ناراحتی و رنج حیوانات ناراحت نمی شوم.

- ۲۱۹- فکر می‌کنم از شغل کنتراتیجی ساختمان خوشم بیاید.
- ۲۲۰- مادرم را خیلی دوست داشتم (دارم).
- ۲۲۱- از علوم خوشم می‌آید.
- ۲۲۲- برایم مشکل نیست از کمک دوستانم استمداد جویم درحالیکه نمی‌توانم کمک آنها را تلافی کنم.
- ۲۲۳- از شکار کردن خیلی زیاد لذت می‌برم.
- ۲۲۴- پدر و مادرم اغلب اوقات نسبت به اشخاصی که با آنها معاشرت می‌کردم اعتراض می‌کرده‌اند.
- ۲۲۵- گاهی پست مردم حرف می‌زنم.
- ۲۲۶- بعضی از افراد خانواده ام عاداتی دارند که باعث ناراحتی و عصبانیت زیاد من می‌شوند.
- ۲۲۷- به من گفته‌اند که در خواب راه می‌روم.
- ۲۲۸- گاهی اوقات احساس می‌کنم که بطور غیر عادی خیلی آسان می‌توانم تصمیم بگیرم.
- ۲۲۹- دلم می‌خواهد که عضو چند گروه و انجمن مختلف بشوم.
- ۲۳۰- هیچوقت احساس نمی‌کنم که قلبم می‌زند و خیلی بندرت هم احساس تنگی نفس می‌کنم.
- ۲۳۱- دوست دارم راجع به امور جنسی صحبت کنم.
- ۲۳۲- به من یک برنامه زندگی که مبتنی بر وظیفه است الهام شده که با کمال دقت آنرا دنبال می‌کنم.
- ۲۳۳- گاهی اوقات سد راه کسانی که می‌خواهند کاری انجام دهند شده‌ام نه برای اینکه مهم بوده بلکه برای اینکه وظیفه خود می‌دانستم.
- ۲۳۴- خیلی زود عصبانی می‌شوم و خیلی زود آرام می‌گیرم.
- ۲۳۵- شخص مستقلی هستم و زیاد تحت تأثیر قوانین فامیلی نبوده‌ام.
- ۲۳۶- خیلی وقت‌ها اوقات تلخ است و زیاد حرص می‌خورم.
- ۲۳۷- خویشتاوندانم تقریباً همگی با من همدردی دارند.
- ۲۳۸- گاهی دچار عدم آرامش شدید می‌شوم بطوریکه مدت طولانی نمی‌توانم روی صندلی بنشینم.
- ۲۳۹- در عشق ناامید شده‌ام.
- ۲۴۰- هیچوقت راجع به قیافه ام ناراحت نبوده‌ام.
- ۲۴۱- درباره موضوعاتی که بهتر است محرمانه نزد خودم بماند زیاد خواب می‌بینم.
- ۲۴۲- احساس می‌کنم که زیاد تر از سایرین عصبی نیستم.
- ۲۴۳- جایی از بدنم درد نمی‌کند.
- ۲۴۴- اعمال من معمولاً بوسیله دیگران سوء تعبیر می‌شوند.
- ۲۴۵- پدر و مادر و سایر اعضاء خانواده من بیشتر از آنچه که باید و شاید از من عیب می‌گیرند.
- ۲۴۶- در روی سطح گردن من بیشتر اوقات لکه‌های قرمز پیدا می‌شوند.
- ۲۴۷- دلیل دارم که نسبت به یک یا چند نفر از افراد خانواده ام حسادت کنم.
- ۲۴۸- گاهی اوقات بدون هیچگونه دلیلی، و حتی هنگامی که اوضاع ناچوار است احساس نشاط فراوان می‌کنم.
- ۲۴۹- به شیطان و جهنم بعد از مرگ اعتقاد دارم.
- ۲۵۰- کسانی را که به هر قیمت بخواهند خواسته‌هایشان را در دنیا بدست بیاورند را ملامت نمی‌کنم.
- ۲۵۱- گاهی اوقات دچار حالاتی شده‌ام که کاری متوقف مانده و از آنچه که در اطرافم گذشته است بی‌اطلاع بوده‌ام.
- ۲۵۲- کسی اهمیتی نمی‌دهد چه بر سر من می‌آید.
- ۲۵۳- می‌توانم با کسانی که بنظر من اعمالشان اشتباه است دوستی بکنم.
- ۲۵۴- دوست دارم با جمعی باشم که با هم شوخی و مزاح می‌کنند.
- ۲۵۵- گاهی در انتخابات به کسانی رأی می‌دهم که درباره آنها خیلی کم اطلاع دارم.
- ۲۵۶- جالب‌ترین قسمت روزنامه بخش فکاهیاتش است.
- ۲۵۷- معمولاً انتظار دارم در کارهایی که انجام می‌دهم موفق بشوم.
- ۲۵۸- معتقدم که خدا وجود دارد.
- ۲۵۹- برایم مشکل است کاری را شروع کنم.
- ۲۶۰- در مدرسه شاگرد تنبلی بودم.

- ۲۶۱- اگر نقاش بودم دوست داشتم گل بکشم.
- ۲۶۲- از اینکه خوش صورت نیستم ناراحت نمی باشم.
- ۲۶۳- خیلی زود عرق می کنم حتی در روزهای سرد.
- ۲۶۴- کاملاً بخودم اطمینان دارم.
- ۲۶۵- راه مطمئن این است که به کسی اعتماد نکردم.
- ۲۶۶- هفته ای یکبار یا بیشتر به هیجان می آیم.
- ۲۶۷- وقتی در جمعی هستم برایم مشکل است درباره حرفهای نامناسب صحبت کنم.
- ۲۶۸- وقتی اوقاتم تلخ است معمولاً واقعه ای مهیج مرا از آن حالت بیرون می آورد.
- ۲۶۹- به آسانی می توانم سایرین را از خود بترسانم و گاهگاهی اینکار را برای تفریح انجام می دهم.
- ۲۷۰- وقتی از منزل خارج می شوم نگران نیستم که آیا در و پنجره بسته هستند.
- ۲۷۱- من شخصی را که سر دیگری کلاه بگذارد مشروط بر اینکه این فرد خودش را در معرض کلاه گذاری قرار داده است ملامت نمی کنم.
- ۲۷۲- گاهی اوقات سرشار از انرژی و نیرو هستم .
- ۲۷۳- برخی از نقاط پوست بدنم بدون احساس هستند.
- ۲۷۴- نور چشمانم مثل چند سال پیش خوب است.
- ۲۷۵- کسی روی فکر من کنترل دارد.
- ۲۷۶- از کودکان خوشم می آید .
- ۲۷۷- گاهی اوقات از زرنگی یک حقه بازخوشم آمده است که دلم می خواست او از دام خلاصی یابد.
- ۲۷۸- اغلب اوقات احساس کردم که غریبه ها با نظر عیب جویی به من نگاه می کنند .
- ۲۷۹- هر روز مقدار زیادی آب می نوشم.
- ۲۸۰- اغلب مردم دوست پیدا می کنند زیرا دوست ممکن است برایشان مفید واقع شود.
- ۲۸۱- بندرت احساس می کنم که گوشم زنگ بزند یا صدا کند.
- ۲۸۲- گاهی اوقات نسبت به افراد فامیلم که دوستشان دارم احساس نفرت می کنم.
- ۲۸۳- اگر خبرنگار بودم خیلی دوست داشتم اخبار ورزشی را گزارش کنم.
- ۲۸۴- مطمئن هستم که پشت سرم حرف می زنند.
- ۲۸۵- گاهی اوقات به یک شوخی خارج از نزاکت می خندم.
- ۲۸۶- هر وقت تنها هستم از همه اوقات خوشحالتترم.
- ۲۸۷- نسبت به دوستانم خیلی کمتر از چیزهای مختلف می ترسم.
- ۲۸۸- از حالات دل بهم خوردگی و تهوع رنج می برم.
- ۲۸۹- وقتی می بینم جنایتکاری بوسیله یک وکیل زبردست از مجازات خلاصی می یابد از قانون بیزار میشوم.
- ۲۹۰- زیر فشار روحی فشار روحی خیلی زیاد می توانم کار بکنم.
- ۲۹۱- یکی دوبار در زندگی احساس کرده ام که کسی می خواسته است بوسیله هیپنوتیزم مرا به کاری وادار کند.
- ۲۹۲- معمولاً با مردم حرف نمی زنم مگر اینکه آنها با من صحبت کنند.
- ۲۹۳- کسی سعی می کند در فکر من نفوذ کند.
- ۲۹۴- هرگز کاری نکرده ام که به چنگ قانون بیفتم.
- ۲۹۵- کتاب افسانه کودکان را دوست داشتم.
- ۲۹۶- گاهگاهی بدون هیچگونه دلیل بخصوص احساس سر حال بودن می کنم.
- ۲۹۷- دلم می خواست بوسیله افکار جنسی ناراحت نمی شدم.
- ۲۹۸- چنانچه چند نفر دچار مشکلی شوند بهتر است همگی بر سر موضوع متفق الرأی شوند و یکجور اظهار نظر کنند.
- ۲۹۹- خیال می کنم من بیشتر از سایر مردم حساس باشم.
- ۳۰۰- هیچوقت در زندگی از عروسک بازی خوشم نمی آمد.
- ۳۰۱- بیشتر اوقات زندگی برایم فشار است.
- ۳۰۲- هرگز به علت رفتار جنسی خودم در زحمت و اشکال نیفتاده ام.
- ۳۰۳- نسبت به بعضی از موضوعات بطوری حساسیت دارم که نمی توانم درباره آنها گفتگو کنم.

- ۳۰۴- در مدرسه برایم صحبت کردن در مقابل کلاس خیلی مشکل بود.
- ۳۰۵- حتی وقتی با سایرین هستم بیشتر اوقات احساس تنهایی می کنم.
- ۳۰۶- هر چه دلسوزی لازم دارم اطرافیانم برایم می کنند.
- ۳۰۷- از شرکت کردن در بعضی از بازیها امتناع می کنم زیرا آنها را خوب بلد نیستم.
- ۳۰۸- بعضی اوقات خیلی دلم می خواست خانه و زندگی خودم را ترک کنم.
- ۳۰۹- من مانند سایرین در دوست یابی موفق هستم.
- ۳۱۰- زندگی جنسی من رضایت بخش است.
- ۳۱۱- وقتی بچه بودم دست به دزدیهای کوچک می زدم.
- ۳۱۲- خوشم نمی آید مردم در اطرافم باشند .
- ۳۱۳- کسی که اشیاء گران قیمت را بدون توجه در ملاعام می گذارد همان قدر باید ملامت بشود که کسی که دست به دزدی این اشیاء می زند.
- ۳۱۴- گاهیگاهی درباره موضوعاتی که صحبت کردن راجع به آنها خوب نیست فکرمی کنم.
- ۳۱۵- مطمئن هستم در زندگی مغبون شده ام.
- ۳۱۶- فکرمی کنم تقریباً همه کس برای فرار از گرفتاری به دروغ متوسل بشود.
- ۳۱۷- از سایر مردم حساس تر هستم.
- ۳۱۸- زندگی روزانه پر از وقایعی است که باعث سرگرمی من می شوند.
- ۳۱۹- اغلب مردم واقعاً دوست ندارند برای کمک به دیگران خودشان را در زحمت بیاندازند.
- ۳۲۰- اغلب خوابهای من درباره موضوعات جنسی هستند.
- ۳۲۱- خیلی زود دستپاچه می شوم.
- ۳۲۲- درباره پول و تجارت و کارم نگران هستم.
- ۳۲۳- تجربیات عجیب و غریبی در زندگی خود داشته ام.
- ۳۲۴- هرگز عاشق کسی نشده ام.
- ۳۲۵- اعمالی که برخی از اعضاء خانواده ام انجام داده اند باعث ترس و وحشت من شده اند.
- ۳۲۶- گاهی اوقات حالات خنده شدید و یا گریه به من دست می دهد که از کنترل آن عاجز هستم.
- ۳۲۷- پدر و مادرم اغلب اوقات مرا وادار به اطاعت می کردند حتی هنگامی که حرفها و امر آنها غیرمنطقی بود.
- ۳۲۸- برایم مشکل است فکرم را روی کاری و یا شغلی متمرکز کنم.
- ۳۲۹- تقریباً هیچوقت خواب نمی بینم.
- ۳۳۰- من هیچگاه دچار ضعف و فلج عضلانی نشده ام.
- ۳۳۱- اگر دیگران در کار من دخالت و کارشکنی نمی کردند در زندگی بیشتر موفق بودم.
- ۳۳۲- بعضی اوقات بدون آن که سرما خورده باشم صدایم می گیرد و قادر به صحبت کردن نمی باشم.
- ۳۳۳- در زندگی هیچکس مرا درک نمی کند.
- ۳۳۴- بعضی اوقات بوهای ناآشنا بخصوصی به مشامم می رسد.
- ۳۳۵- نمی توانم فکر خود را بر روی یک موضوع متمرکز کنم.
- ۳۳۶- صبر و حوصله خود را در مقابل دیگران به سرعت ازدست می دهم.
- ۳۳۷- بیشتر اوقات در ارتباط با شخصی و یا چیزی احساس اضطراب می کنم.
- ۳۳۸- اطمینان دارم که در زندگی بیشتر از سهم خودسختی کشیده ام.
- ۳۳۹- اکثراً آرزو می کنم که ای کاش مرده بودم.
- ۳۴۰- بعضی اوقات هیجان زده هستم که به سختی بخواب می روم.
- ۳۴۱- گاهی اوقات اصوات را آنچنان خوب و واضح می شنوم که باعث نگرانی می شود.
- ۳۴۲- مطالبی را که دیگران به من می گویند به سرعت فراموش می کنم.
- ۳۴۳- من در ابتدا باید صبر و تعمق کنم و سپس تصمیم بگیرم حتی در مسائل و موضوعات بسیار جزئی .
- ۳۴۴- اغلب اوقات مسیر خود را در خیابان هنگامی که آشنایی رامی بینم عوض می کنم.
- ۳۴۵- غالباً احساس می کنم که اشیاء صورت حقیقی ندارند.
- ۳۴۶- عادت دارم اشیائی را که مهم نیستند مثل لامپ ، چراغ ، و یا علامت نئونها را بشمارم.

- ۳۴۷- من دشمنی را که واقعاً بخواهد به من آسیب برساند را ندارم .
- ۳۴۸- من در مواجهه با اشخاصی که بیشتر از انتظار من رفتار دوستانه دارند حالت دفاعی بخود می گیرم.
- ۳۴۹- افکار بخصوص و عجیب و غریبی دارم.
- ۳۵۰- زمانی که تنها هستم صداهای عجیبی می شنوم.
- ۳۵۱- زمانی که قصد دارم به مسافرت کوتاهی بروم مضطرب و ناراحت می شوم.
- ۳۵۲- از اشخاص و یا چیزهایی که می دانم نمی توانند به من صدمه ای بزنند می ترسم.
- ۳۵۳- ترسی از داخل شدن در اطافی که قبلاً در آن گروهی اجتماع کرده و مشغول به حرف زدن هستند را ندارم.
- ۳۵۴- از استعمال کارد و یا هر شیئی که تیز و برنده باشد می ترسم.
- ۳۵۵- گاهی اوقات از آزار دادن کسانی که دوستان دارم لذت می برم.
- ۳۵۶- به نظر می رسد که من بیشتر از دیگران در تمرکز دچار اشکال هستم.
- ۳۵۷- چندین بار از انجام کاری خودداری کرده ام زیرا احساس نموده ام که لیاقت آن را ندارم.
- ۳۵۸- کلمات زشت و گاهی اوقات وحشتناک که به مخیله من خطور می کند و نمی توانم ازدست آنها خلاص شوم.
- ۳۵۹- گاهی اوقات افکار بی اهمیتی از ذهن من می گذرد که مرا برای چندین روز آزرده می سازد.
- ۳۶۰- تقریباً هر روز اتفاقی برایم می افتد که مرا متوحش می سازد.
- ۳۶۱- معمولاً از جریانات روزمره ناراحت می شوم.
- ۳۶۲- من بیشتر از دیگران حساس هستم.
- ۳۶۳- گاهی اوقات رنج کشیدن از طرف کسانی که دوستان دارم باعث لذت من شده است.
- ۳۶۴- دیگران راجع به من ( در مورد من) مطالب زننده و توهین آمیزی را ابراز می دارند.
- ۳۶۵- در داخل فضای بسته ای مثل اطاق احساس ناراحتی می کنم.
- ۳۶۶- اغلب حتی وقتی که با دیگران هستم احساس تنهایی می کنم.
- ۳۶۷- من معمولاً خجالتی هستم.
- ۳۶۸- بعضی اوقات فکر من کندتر از حد معمول کار می کند.
- ۳۶۹- اغلب در مهمانی ها یا تنها می نشینم و یا حداکثر در کنار یک نفر ، و از ملحق شدن به سایرین اجتناب می کنم.
- ۳۷۰- اغلب مردم باعث دلسردی من می شوند.
- ۳۷۱- من علاقه زیاد به میهمانی رفتن دارم.
- ۳۷۲- بعضی اوقات احساس می کنم که مشکلات آنقدر انبوه و جمع شده اند که از عهده حل آنها عاجز می باشم.
- ۳۷۳- آرزو می کنم کاش می توانستم یک بچه باشم.
- ۳۷۴- اگر به من موقعیتی داده شود می توانم عمل خارق العاده سودمندی را برای جهانیان انجام دهم.
- ۳۷۵- من در مقایسه با افرادی که خود را در زمینه ای صاحب نظر می دانند خود را کمتر نمی دانم.
- ۳۷۶- خیر موقعیت افرادی که می شناسم ، در من ایجاد ضعف و شکست می کند.
- ۳۷۷- اگر شانس و موقعیتی به من داده شود می توانم رهبر بسیار خوبی باشم.
- ۳۷۸- داستانهای مستهجن مرا خجل و شرمند می سازد.
- ۳۷۹- مردم معمولاً برای حقوق خود احترام بیشتری قائل هستند تا برای حقوق دیگران .
- ۳۸۰- سعی می کنم داستانها و نکات جالب را بخاطر بسپارم و برای دیگران بازگو کنم.
- ۳۸۱- من از شرط بندیهای کوچک لذت می برم.
- ۳۸۲- از دور هم جمع شدن بخاطر بودن با مردم لذت می برم.
- ۳۸۳- من از هیجانی که در گروه و اجتماعات ایجاد می شود لذت می برم.
- ۳۸۴- زمانی که به دوستان سرزنده و پرنشاطم ملحق می شوم نگرانی هایم از بین می رود.
- ۳۸۵- غالباً در صحبتهایی که در پشت سر کسانی که می شناسم زده می شود شرکت نمی کنم.
- ۳۸۶- مشکل است برایم کاری را که شروع می کنم برای مدت کوتاهی متوقف کنم.
- ۳۸۷- من در شروع و کنترل ادراک هیچ مشکلی ندارم.
- ۳۸۸- غالباً مردم به افکار خلاق من حسادت می ورزند زیرا که قبلاً به ذهن آنها نرسیده است.
- ۳۸۹- در صورت امکان از اجتماعات دوری می جویم.
- ۳۹۰- من در ملاقات با افراد بیگانه مشکلی ندارم.

- ۳۹۱- بیاد می آورم که گاهی اوقات تظاهر به بیماری از انجام کاری خودداری کرده ام.
- ۳۹۲- اغلب در اتوبوس یا قطار با افراد بیگانه صحبت می کنم.
- ۳۹۳- وقتی با شرایط سخت و دشواری روبرو می شوم خیلی زود دست از کار می کشم.
- ۳۹۴- دوست دارم که دیگران موضع مرا در مسایل بدانند.
- ۳۹۵- گاهی اوقات آفتدر سرشار از انرژی هستم که احساس می کنم تا چند روز احتیاج به خواب ندارم.
- ۳۹۶- هرگاه در جمعی از من خواسته شود در مورد موضوعی که به آن آگاه هستم صحبت و یا اظهار عقیده بنمایم دچار خجالت نمی شوم.
- ۳۹۷- من از مهمانی و دور هم جمع شدن لذت می برم.
- ۳۹۸- در مقابل بحرانیها و مشکلات آب می شوم.
- ۳۹۹- اگر به نظر دیگران کاری را که قصد انجامش را دارم بی ارزش جلوه کند حاضرم از آن صرف نظر نمایم.
- ۴۰۰- از آتش نمی ترسم.
- ۴۰۱- هیچ ترسی از آب ندارم.
- ۴۰۲- قبل از انجام هر کاری باید راجع به آن فکر کنم.
- ۴۰۳- زندگی در این دوره از زمان به دلیل اتفاقاتش برایم دلپذیر است.
- ۴۰۴- زمانیکه سعی دارم به دیگران نصیحت و کمک نمایم، منظور من اغلب بد تلقی می شود.
- ۴۰۵- مشکلی در بلع ندارم.
- ۴۰۶- معمولاً بسیار آرام هستم و به سختی عصبانی می شوم.
- ۴۰۷- معمولاً بسیار آرام هستم و به سختی عصبانی می شوم.
- ۴۰۸- من در پنهان کردن احساس خود تا اندازه ای قادر می باشم، که دیگران نادانسته می توانند به من آسیب برسانند.
- ۴۰۹- گاهی اوقات به دلیل پذیرفتن مسئولیت بیش از حد کارها، خود را شدیداً خسته می کنم.
- ۴۱۰- من از شکست دادن دیگران در کارهایشان احساس لذت می کنم.
- ۴۱۱- مذهب در من ایجاد نگرانی نمی کند.
- ۴۱۲- زمانی که صدمه دیده و یا مجروح شده ام از مراجعه به پزشک واهمه ای ندارم.
- ۴۱۳- من مستحق تنبیه های شدید برای گناهانم هستم.
- ۴۱۴- آفتدر سر خوردگی را به راحتی تحمل می کنم که گاهی اوقات بیرون راندن آنها از فکرم به آسانی امکان پذیر نیست.
- ۴۱۵- از اینکه در هنگام کار مجبور به شتاب و عجله شوم متنفرم.
- ۴۱۶- زمانیکه می توانم کاری را به درستی انجام دهم اگر کسی مرا تحت نظر داشته باشد ناراحت می شوم.
- ۴۱۷- هر گاه مجبور شوم به شخصی که سعی دارد در صف از من جلو بزند تذکر دهم، ناراحت می شوم.
- ۴۱۸- گاهی اوقات فکر می کنم به درد هیچ چیز نمی خورم.
- ۴۱۹- اغلب اوقات در دوران تحصیل فوتبال بازی می کردم.
- ۴۲۰- در گذشته تجارب مذهبی بسیار عجیب و غریبی داشته ام.
- ۴۲۱- یک یا چند نفر از اعضاء خانواده عصبی هستند.
- ۴۲۲- از کارهای یک یا چند نفر از اعضاء خانواده ام به شدت خجالت کشیده ام.
- ۴۲۳- ماهیگیری را در گذشته و حال بسیار دوست دارم.
- ۴۲۴- همیشه احساس گرسنگی می کنم.
- ۴۲۵- اکثراً خواب می بینم.
- ۴۲۶- مجبورم با افراد بی ادب و مردم آزار برخورد تندی داشته باشم.
- ۴۲۷- ترجیح می دهم علائق متفاوتی داشته باشم تا اینکه یک علاقه را برای مدت طولانی داشته باشم.
- ۴۲۸- مایلم سرمقاله روزنامه ها را مطالعه کنم.
- ۴۲۹- مایلم در کنفرانس هایی که در زمینه مسائل مهم تشکیل می شود شرکت نمایم.
- ۴۳۰- به جنس مخالف خود گرایش دارم.
- ۴۳۱- از اتفاقات اجتماعی بد احساس نگرانی شدیدی دارم.
- ۴۳۲- عقاید سیاسی شدیدی دارم.

- ۴۳- من به یک همبازی خیالی عادت دارم.
- ۴۴- دوست داشتم راننده مسابقه های اتومبیل رانی باشم.
- ۴۵- اغلب ترجیح می دهم با خانمها کار کنم.
- ۴۶- مطمئنم که کاملاً یک مذهب واقعی وجود دارد.
- ۴۷- تخطی از قانون به شرطی که آن را کاملاً نقض نمایم، به نظر من اشکالی ندارد.
- ۴۸- هرگاه افرادی که قبلاً آنها را دوست ندارم عمل خلافی انجام دهند و دچار گرفتاری شوند، احساس لذت می کنم.
- ۴۹- از انتظار کشیدن مضرب می شوم.
- ۴۰- در زمانیکه شاد و فعال هستم یک فرد افسرده می تواند شادی و فعالیت مرا از بین ببرد.
- ۴۱- زنان قد بلند را دوست دارم.
- ۴۲- گاهی اوقات به دلیل اضطراب هایم قادر به خوابیدن نبوده ام.
- ۴۳- من راضی هستم از کارهایی که مایل به انجام آنها هستم ولی دیگران احساس می کنند قادر به انجام صحیح آن نمی باشم دست بکشم.
- ۴۴- من کوششی در تصحیح عقاید افراد نادان نمی کنم.
- ۴۵- در دوران کودکی خود علاقه زیادی به هیجانها داشته ام.
- ۴۶- افراد پلیس انسانهای صدیقی هستند.
- ۴۷- علاقمند هستم که نقطه نظرات خود را در مقابل شخصی که نقطه نظر مخالفی با من دارد، به هر قیمتی ثابت کنم.
- ۴۸- از دست افرادی که در خیابانها و مغازه ها مرا نظاره و تماشای کنند ناراحت می شوم.
- ۴۹- سیگار کشیدن خانمها را دوست ندارم.
- ۵۰- بندرت دچار غمگینی و ناراحتی می شوم.
- ۵۱- صحیح می دانم فردی را که اظهار نظر احمقانه و جاهلانه ای را ابراز می دارد، ادب کنم.
- ۵۲- دوست دارم دست بیاندازم.
- ۵۳- در دوران کودکی اهمیتی به اینکه عضو گروه و یا دسته ای باشم نمی دادم.
- ۵۴- از اینکه در کلبه ای در کوهستان و یا جنگل تنها باشم، می توانم احساس خوشحالی فراوان کنم.
- ۵۵- اغلب گفته می شود که شخص طغیانگری هستم.
- ۵۶- هرگاه شخصی قانونی را به دلیل منصفانه نبودن آن بشکند نباید تنبیه گردد.
- ۵۷- اعتقاد من بر این است که افراد هیچگاه نباید مشروب الکلی بنوشند.
- ۵۸- کسی که در کودکی مرا تربیت می کرده است، بسیار خشک و مقرراتی بوده است (مثل پدر- پدربزرگ).
- ۵۹- برخی از عادات ناپسندم چنان در من نفوذ کرده اند که هر نوع کوششی جهت ترک آنها بیهوده است.
- ۶۰- گاهی اوقات مشروب الکلی نوشیده ام. (یا هرگز نوشیده ام)
- ۶۱- ای کاش می توانستم به دلیل گفتن مطالبی که دیگران را آزرده کرده ام، از نگرانی رهایی یابم.
- ۶۲- احساس می کنم در بازگو کردن تمامی آنچه در مورد خود می دانم به فرد دیگری ضعیف هستم.
- ۶۳- در گذشته بازی الاکلنگ را دوست داشته ام.
- ۶۴- هیچگاه در زندگی خود شبحی ندیده ام.
- ۶۵- چندین بار عقاید خود را نسبت به کارهایم در زندگی تغییر داده ام.
- ۶۶- هیچگاه دارو یا قرص خواب آوری به جز مواردی که پزشک دستور داده مصرف نکرده ام.
- ۶۷- اصولاً شماره هایی را در ذهن بخاطر می سپارم که اهمیتی برایم ندارد. (مثل شماره پلاک اتومبیل).
- ۶۸- از عصبانی مزاج و خشمگین بودن خود بسیار احساس تأسف می کنم.
- ۶۹- یکی از بزرگترین ترسهای من رعد و برق است.
- ۷۰- از مسائل جنسی به شدت متنفرم.
- ۷۱- نمرات دوران تحصیلی من همیشه پایین بوده است.
- ۷۲- آتش مرا جذب خود می کند.
- ۷۳- علاقه مندم دیگران کارهایم را دائماً حدس بزنند.
- ۷۴- بیشتر از دیگران به دستشویی نمی روم.

- ۴۷۵- زمانی که اجبار به گفتن مطلبی را دارم تنها قسمتی از حقیقت را که به ضررم نیست بیان می‌کنم.
- ۴۷۶- من نماینده مخصوص خداوند هستم.
- ۴۷۷- وقتی که من به همراه دوستانم در خطائی شریک هستیم ، و باید سرزنش شویم ، ترجیح می‌دهم که تمامی تقصیرها را بعهده گیرم.
- ۴۷۸- هنگامی که یکی از افراد خانواده ام با مشکلی مواجه می‌شوند دچار اضطراب نمی‌شوم.
- ۴۷۹- به تنها معجزه ای که اعتقاد دارم کلک‌هایی است که مردم به یکدیگر می‌زنند.
- ۴۸۰- از تاریکی وحشت دارم.
- ۴۸۱- از تنهایی در تاریکی وحشت دارم.
- ۴۸۲- درنقشه‌هایی که برای زندگی خود می‌کشم آنقدر دچار مشکل می‌شوم که اکثراً مجبور به رها کردن آنها می‌باشم.
- ۴۸۳- حضرت عیسی با معجزه خود توانست شراب را به آب تبدیل کند.
- ۴۸۴- چندین نقص بزرگ در خودمی بینم و این نقایص به حدی بزرگ هستند که ترجیح می‌دهم آنها را پذیرفته و کنترل نمایم تا اینکه در خلاصی از آنها بکوشم.
- ۴۸۵- زمانیکه مردان در ارتباط با زنان قرار دارند بیشتر درباره مسایل جنسی با آنها فکر می‌کنند.
- ۴۸۶- در ادرار خود هیچگاه خون ندیده‌ام.
- ۴۸۷- هنگامیکه سعی دارم شخصی را به خطایش آگاه سازم احساس بدی به من دست می‌دهد .
- ۴۸۸- هر هفته چندین بار به درگاه خداوند دعا می‌کنم.
- ۴۸۹- نسبت به کسانی که غم و درد دارند احساس همدردی می‌کنم.
- ۴۹۰- در هفته چندین بار قرآن (انجیل ، تورات) می‌خوانم.
- ۴۹۱- در مقابل اشخاصی که معتقدند تنها یک مذهب واقعی وجود دارد کم‌طاقت می‌شوم.
- ۴۹۲- از تصور وقوع زلزله ناراحت می‌شوم.
- ۴۹۳- کارهایی را که احتیاج به دقت فراوان دارند به کارهایی که نمی‌توان در آنها بی‌دقتی نمود ترجیح می‌دهم.
- ۴۹۴- از بودن در مکانهایی که کوچک و در بسته هستند بیم دارم.
- ۴۹۵- نظریات خود را در تصحیح نظریه‌های دیگران صریحاً بیان می‌دارم.
- ۴۹۶- هیچگاه اشیائی را دوتایی ندیده‌ام ( منظور اشیائی هستند که یک صورت واقعی دارند).
- ۴۹۷- داستانهای پرماجرا را دوست دارم.
- ۴۹۸- همیشه دوستانه برخورد کردن با دیگران یک خصلت بسیار خوبی است.
- ۴۹۹- باید اعتراف کنم گاهی اوقات درباره مسائل بسیار کم‌اهمیت ، نگرانی‌های فراوانی داشته‌ام.
- ۵۰۰- من یک ایده خوب را صد در صد و بدون هیچ تردیدی می‌پذیرم.
- ۵۰۱- ترجیح می‌دهم معمولاً مشکلات خود را بدون کمک دیگران و به اتکاء خود حل نمایم.
- ۵۰۲- طوفان مرا وحشت زده می‌کند.
- ۵۰۳- راجح به تأیید و یا تکذیب رفتار دیگران اظهار نظر مستقیم نمی‌کنم.
- ۵۰۴- به دلیل شخصی از عقیده منفی من نسبت به خود آگاه نشود سعی در پنهان نمودن عقیده خود نمی‌کنم.
- ۵۰۵- اسبهایی که بار نمی‌کشند می‌بایستی کتک زده و تنبیه شوند.
- ۵۰۶- من فردی سخت‌کوش هستم.
- ۵۰۷- با اشخاصی همکاری داشته‌ام که موقعیتها را از آن خود دانسته و شکستها را به دیگران نسبت داده‌اند.
- ۵۰۸- من اعتقاد دارم که حس بویایی من بخوبی حس بویایی دیگران است.
- ۵۰۹- پافشاری نمودن بر چیزی که حق من است برایم دشوار است زیرا فردی خجالتی هستم.
- ۵۱۰- کثافت در من ترس و تنفر ایجاد می‌کند.
- ۵۱۱- با دیگران راجح به دنیای تخیلی خود صحبت نمی‌کنم.
- ۵۱۲- علاقه‌ای به حمام کردن ندارم.
- ۵۱۳- تصور می‌کنم کریم خان زند نسبت به شاه عباس فرد مقتدرتری است.
- ۵۱۴- زنانی را که رفتارهای مردانه دارند می‌پسندم.
- ۵۱۵- در منزل ما همیشه مواد ضروری و اولیه موجود بوده است.(مثل لباس و غذا)
- ۵۱۶- بعضی از افراد خانواده ام تندخو هستند.

- ۵۱۷- هیچ کاری را نمی توانم انجام دهم.
- ۵۱۸- زمانی که بیش از حد باید نسبت به موضوعی تظاهر به غمگینی بنمایم اغلب احساس گناه می کنم.
- ۵۱۹- دستگاه جنسی من دارای نقایصی است.
- ۵۲۰- من به شدت از عقیده خود دفاع می کنم.
- ۵۲۱- به ندرت با دیگران صلاح و مشورت می نمایم.
- ۵۲۲- از عنکبوت نمی ترسم.
- ۵۲۳- هیچگاه از فرط خجالت سرخ نمی شوم .
- ۵۲۴- از اینکه بیماری وبا میکروبی بر اثر تماس با دستگیره در بگیرم هراسی ندارم.
- ۵۲۵- بعضی از حیوانات مرا عصبی می کنند.
- ۵۲۶- بنظر من آینده نا امید کننده است.
- ۵۲۷- دوستان و افراد خانواده ام با یکدیگر تفاهم کامل دارند.
- ۵۲۸- بیشتر از آنکه دیگران سرخ شوند ، سرخ نمی شوم.
- ۵۲۹- علاقمندم لباسهای گران قیمت بپوشم.
- ۵۳۰- از اینکه بر اثر خجالت سرخ شوم هراسی ندارم.
- ۵۳۱- دیگران براحتی می توانند عقیده ای را که محکم تصور می کردم تغییر دهند.
- ۵۳۲- تحمل درد من به اندازه دیگران است.
- ۵۳۳- ترش و نفخ کردن مرا اذیت نمی کند.
- ۵۳۴- آخرین فردی هستم که در انجام امور دست از کار بر می دارم.
- ۵۳۵- دائماً در دهانم احساس خشکی می کنم.
- ۵۳۶- زمانیکه دیگران باعث شتاب زدگی من می شوند عصبانی می شوم.
- ۵۳۷- دوست دارم به شکار شیر در آفریقا بروم.
- ۵۳۸- تصور می کنم از کار خیاطان خوشم می آید.
- ۵۳۹- از موش نمی ترسم.
- ۵۴۰- هیچگاه صورت من فلج نشده است.
- ۵۴۱- به نظر می آید به طرز غیر عادی پوستی حساس دارم.
- ۵۴۲- هیچگونه علائم غیر عادی در مدفوع خود نمی بینم.
- ۵۴۳- در هفته چندین بار احساس می کنم واقعه ای شوم در حال رخ دادن است.
- ۵۴۴- در اکثر مواقع احساس خستگی می کنم.
- ۵۴۵- گاهی اوقات یک خواب را چندین بار می بینم.
- ۵۴۶- علاقمندم در مورد تاریکی مطالعه کنم.
- ۵۴۷- آینده برای اشخاصی که نقشه های جدی طرح می کنند بسیار نامطمئن است.
- ۵۴۸- سعی می کنم هیچگاه به نمایشات مستهجن نروم.
- ۵۴۹- احساس می کنم هیچ چیز برایم اهمیت ندارد حتی در زمانیکه کارهایم بخوبی پیش می روند.
- ۵۵۰- علاقمندم لولاهای درب را تعمیر نمایم.
- ۵۵۱- گاهی اوقات اطمینان دارم که دیگران می توانند فکر من را بخوانند.
- ۵۵۲- علاقمندم درباره علوم مطالعه نمایم.
- ۵۵۳- از تنهایی در یک فضای باز می ترسم.
- ۵۵۴- اگر یک نقاش می بودم ، دوست داشتم تصاویر کودکان را ترسیم کنم.
- ۵۵۵- گاهی اوقات تصور می کنم که از هم پاشیده می شوم.
- ۵۵۶- در پوشیدن لباس خیلی رعایت می کنم.
- ۵۵۷- علاقمندم سکرتر خصوصی باشم.
- ۵۵۸- در ارتباط با رفتارهای نادرست جنسی ، عده کثیری از مردم احساس گناه می کنند.
- ۵۵۹- اغلب در نیمه های شب می ترسم.
- ۵۶۰- غالباً بر اثر فراموش کردن چیزی ناراحت می شوم.

- ۵۶۱- اسب سواری را دوست دارم.
- ۵۶۲- اکثراً شخصی را که در کودکی به آن وابسته و نزدیک بوده ام تحسین می کنم. (مادر، خواهر، عمه، خاله و....).
- ۵۶۳- داستانهای پرماجرا را بیش از داستانهای عاشقانه دوست دارم.
- ۵۶۴- سهولت عصبانی نمی شوم.
- ۵۶۵- زمانی که بر بلندی قرار می گیرم دلم می خواهد خود را پرت نمایم.
- ۵۶۶- صحنه های عاشقانه را در فیلمها دوست دارم.

پاسخنامه آزمون چند وجهی شخصیت مینہ سوتا M.M.P.I

بلہ خیر ۰۰۲۹۹	بلہ خیر ۰۰۲۷۲	بلہ خیر ۰۰۲۴۵	بلہ خیر ۰۰۲۱۷	بلہ خیر ۰۰۱۹۰	بلہ خیر ۰۰۱۶۳	بلہ خیر ۰۰۱۳۶	بلہ خیر ۰۰۱۰۹	بلہ خیر ۰۰۸۲	بلہ خیر ۰۰۵۵	بلہ خیر ۰۰۲۸	بلہ خیر ۰۰۱
۰۰۳۰۰	۰۰۲۷۳	۰۰۲۴۶	۰۰۲۱۸	۰۰۱۹۱	۰۰۱۶۴	۰۰۱۳۷	۰۰۱۱۰	۰۰۸۳	۰۰۵۶	۰۰۲۹	۰۰۲
۰۰۳۰۱	۰۰۲۷۴	۰۰۲۴۷	۰۰۲۱۹	۰۰۱۹۲	۰۰۱۶۵	۰۰۱۳۸	۰۰۱۱۱	۰۰۸۴	۰۰۵۷	۰۰۳۰	۰۰۳
۰۰۳۰۲	۰۰۲۷۵	۰۰۲۴۸	۰۰۲۲۰	۰۰۱۹۳	۰۰۱۶۶	۰۰۱۳۹	۰۰۱۱۲	۰۰۸۵	۰۰۵۸	۰۰۳۱	۰۰۴
۰۰۳۰۳	۰۰۲۷۶	۰۰۲۴۹	۰۰۲۲۱	۰۰۱۹۴	۰۰۱۶۷	۰۰۱۴۰	۰۰۱۱۳	۰۰۸۶	۰۰۵۹	۰۰۳۲	۰۰۵
۰۰۳۰۴	۰۰۲۷۷	۰۰۲۵۰	۰۰۲۲۲	۰۰۱۹۵	۰۰۱۶۸	۰۰۱۴۱	۰۰۱۱۴	۰۰۸۷	۰۰۶۰	۰۰۳۳	۰۰۶
۰۰۳۰۵	۰۰۲۷۸	۰۰۲۵۱	۰۰۲۲۳	۰۰۱۹۶	۰۰۱۶۹	۰۰۱۴۲	۰۰۱۱۵	۰۰۸۸	۰۰۶۱	۰۰۳۴	۰۰۷
۰۰۳۰۶	۰۰۲۷۹	۰۰۲۵۲	۰۰۲۲۴	۰۰۱۹۷	۰۰۱۷۰	۰۰۱۴۳	۰۰۱۱۶	۰۰۸۹	۰۰۶۲	۰۰۳۵	۰۰۸
۰۰۳۰۷	۰۰۲۸۰	۰۰۲۵۳	۰۰۲۲۵	۰۰۱۹۸	۰۰۱۷۱	۰۰۱۴۴	۰۰۱۱۷	۰۰۹۰	۰۰۶۳	۰۰۳۶	۰۰۹
۰۰۳۰۸	۰۰۲۸۱	۰۰۲۵۴	۰۰۲۲۶	۰۰۱۹۹	۰۰۱۷۲	۰۰۱۴۵	۰۰۱۱۸	۰۰۹۱	۰۰۶۴	۰۰۳۷	۰۰۱۰
۰۰۳۰۹	۰۰۲۸۲	۰۰۲۵۵	۰۰۲۲۷	۰۰۲۰۰	۰۰۱۷۳	۰۰۱۴۶	۰۰۱۱۹	۰۰۹۲	۰۰۶۵	۰۰۳۸	۰۰۱۱
۰۰۳۱۰	۰۰۲۸۳	۰۰۲۵۶	۰۰۲۲۸	۰۰۲۰۱	۰۰۱۷۴	۰۰۱۴۷	۰۰۱۲۰	۰۰۹۳	۰۰۶۶	۰۰۳۹	۰۰۱۲
۰۰۳۱۱	۰۰۲۸۴	۰۰۲۵۷	۰۰۲۲۹	۰۰۲۰۲	۰۰۱۷۵	۰۰۱۴۸	۰۰۱۲۱	۰۰۹۴	۰۰۶۷	۰۰۴۰	۰۰۱۳
۰۰۳۱۲	۰۰۲۸۵	۰۰۲۵۸	۰۰۲۳۰	۰۰۲۰۳	۰۰۱۷۶	۰۰۱۴۹	۰۰۱۲۲	۰۰۹۵	۰۰۶۸	۰۰۴۱	۰۰۱۴
۰۰۳۱۳	۰۰۲۸۶	۰۰۲۵۹	۰۰۲۳۱	۰۰۲۰۴	۰۰۱۷۷	۰۰۱۵۰	۰۰۱۲۳	۰۰۹۶	۰۰۶۹	۰۰۴۲	۰۰۱۵
۰۰۳۱۴	۰۰۲۸۷	۰۰۲۶۰	۰۰۲۳۲	۰۰۲۰۵	۰۰۱۷۸	۰۰۱۵۱	۰۰۱۲۴	۰۰۹۷	۰۰۷۰	۰۰۴۳	۰۰۱۶
۰۰۳۱۵	۰۰۲۸۸	۰۰۲۶۱	۰۰۲۳۳	۰۰۲۰۶	۰۰۱۷۹	۰۰۱۵۲	۰۰۱۲۵	۰۰۹۸	۰۰۷۱	۰۰۴۴	۰۰۱۷
۰۰۳۱۶	۰۰۲۸۹	۰۰۲۶۲	۰۰۲۳۴	۰۰۲۰۷	۰۰۱۸۰	۰۰۱۵۳	۰۰۱۲۶	۰۰۹۹	۰۰۷۲	۰۰۴۵	۰۰۱۸
۰۰۳۱۷	۰۰۲۹۰	۰۰۲۶۳	۰۰۲۳۵	۰۰۲۰۸	۰۰۱۸۱	۰۰۱۵۴	۰۰۱۲۷	۰۰۱۰۰	۰۰۷۳	۰۰۴۶	۰۰۱۹
۰۰۳۱۸	۰۰۲۹۱	۰۰۲۶۴	۰۰۲۳۶	۰۰۲۰۹	۰۰۱۸۲	۰۰۱۵۵	۰۰۱۲۸	۰۰۱۰۱	۰۰۷۴	۰۰۴۷	۰۰۲۰
۰۰۳۱۹	۰۰۲۹۲	۰۰۲۶۵	۰۰۲۳۷	۰۰۲۱۰	۰۰۱۸۳	۰۰۱۵۶	۰۰۱۲۹	۰۰۱۰۲	۰۰۷۵	۰۰۴۸	۰۰۲۱

۰۰۳۲۰	۰۰۲۹۳	۰۰۲۶۶	۰۰۲۳۸	۰۰۲۱۱	۰۰۱۸۴	۰۰۱۵۷	۰۰۱۳۰	۰۰۱۰۳	۰۰۷۶	۰۰۴۹	۰۰۲۲
۰۰۳۲۱	۰۰۲۹۴	۰۰۲۶۷	۰۰۲۳۹	۰۰۲۱۲	۰۰۱۸۵	۰۰۱۵۸	۰۰۱۳۱	۰۰۱۰۴	۰۰۷۷	۰۰۵۰	۰۰۲۳
۰۰۳۲۲	۰۰۲۹۵	۰۰۲۶۸	۰۰۲۴۰	۰۰۲۱۳	۰۰۱۸۶	۰۰۱۵۹	۰۰۱۳۲	۰۰۱۰۵	۰۰۷۸	۰۰۵۱	۰۰۲۴
۰۰۳۲۳	۰۰۲۹۶	۰۰۲۶۹	۰۰۲۴۱	۰۰۲۱۴	۰۰۱۸۷	۰۰۱۶۰	۰۰۱۳۳	۰۰۱۰۶	۰۰۷۹	۰۰۵۲	۰۰۲۵
۰۰۳۲۴	۰۰۲۹۷	۰۰۲۷۰	۰۰۲۴۲	۰۰۲۱۵	۰۰۱۸۸	۰۰۱۶۱	۰۰۱۳۴	۰۰۱۰۷	۰۰۸۰	۰۰۵۳	۰۰۲۶
۰۰۳۲۵	۰۰۲۹۸	۰۰۲۷۱	۰۰۲۴۳	۰۰۲۱۶	۰۰۱۸۹	۰۰۱۶۲	۰۰۱۳۵	۰۰۱۰۸	۰۰۸۱	۰۰۵۴	۰۰۲۷
			۰۰۲۴۴								

بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر	بله خیر
۰۰۵۴۲	۰۰۵۱۵	۰۰۴۸۸	۰۰۴۶۱	۰۰۴۳۴	۰۰۴۰۷	۰۰۳۸۰	۰۰۳۵۳	۰۰۳۲۶
۰۰۵۴۳	۰۰۵۱۶	۰۰۴۸۹	۰۰۴۶۲	۰۰۴۳۵	۰۰۴۰۸	۰۰۳۸۱	۰۰۳۵۴	۰۰۳۲۷
۰۰۵۴۴	۰۰۵۱۷	۰۰۴۹۰	۰۰۴۶۳	۰۰۴۳۶	۰۰۴۰۹	۰۰۳۸۲	۰۰۳۵۵	۰۰۳۲۸
۰۰۵۴۵	۰۰۵۱۸	۰۰۴۹۱	۰۰۴۶۴	۰۰۴۳۷	۰۰۴۱۰	۰۰۳۸۳	۰۰۳۵۶	۰۰۳۲۹
۰۰۵۴۶	۰۰۵۱۹	۰۰۴۹۲	۰۰۴۶۵	۰۰۴۳۸	۰۰۴۱۱	۰۰۳۸۴	۰۰۳۵۷	۰۰۳۳۰
۰۰۵۴۷	۰۰۵۲۰	۰۰۴۹۳	۰۰۴۶۶	۰۰۴۳۹	۰۰۴۱۲	۰۰۳۸۵	۰۰۳۵۸	۰۰۳۳۱
۰۰۵۴۸	۰۰۵۲۱	۰۰۴۹۴	۰۰۴۶۷	۰۰۴۴۰	۰۰۴۱۳	۰۰۳۸۶	۰۰۳۵۹	۰۰۳۳۲
۰۰۵۴۹	۰۰۵۲۲	۰۰۴۹۵	۰۰۴۶۸	۰۰۴۴۱	۰۰۴۱۴	۰۰۳۸۷	۰۰۳۶۰	۰۰۳۳۳
۰۰۵۵۰	۰۰۵۲۳	۰۰۴۹۶	۰۰۴۶۹	۰۰۴۴۲	۰۰۴۱۵	۰۰۳۸۸	۰۰۳۶۱	۰۰۳۳۴
۰۰۵۵۱	۰۰۵۲۴	۰۰۴۹۷	۰۰۴۷۰	۰۰۴۴۳	۰۰۴۱۶	۰۰۳۸۹	۰۰۳۶۲	۰۰۳۳۵
۰۰۵۵۲	۰۰۵۲۵	۰۰۴۹۸	۰۰۴۷۱	۰۰۴۴۴	۰۰۴۱۷	۰۰۳۹۰	۰۰۳۶۳	۰۰۳۳۶
۰۰۵۵۳	۰۰۵۲۶	۰۰۴۹۹	۰۰۴۷۲	۰۰۴۴۵	۰۰۴۱۸	۰۰۳۹۱	۰۰۳۶۴	۰۰۳۳۷
۰۰۵۵۴	۰۰۵۲۷	۰۰۵۰۰	۰۰۴۷۳	۰۰۴۴۶	۰۰۴۱۹	۰۰۳۹۲	۰۰۳۶۵	۰۰۳۳۸
۰۰۵۵۵	۰۰۵۲۸	۰۰۵۰۱	۰۰۴۷۴	۰۰۴۴۷	۰۰۴۲۰	۰۰۳۹۳	۰۰۳۶۶	۰۰۳۳۹
۰۰۵۵۶	۰۰۵۲۹	۰۰۵۰۲	۰۰۴۷۵	۰۰۴۴۸	۰۰۴۲۱	۰۰۳۹۴	۰۰۳۶۷	۰۰۳۴۰

## دیارنمان بیژوہتر

## زندگی

مرکز تخصصی روانشناسی و رواندرمانی خانواده و زوج

۰۰۵۵۷	۰۰۵۳۰	۰۰۵۰۳	۰۰۴۷۶	۰۰۴۴۹	۰۰۴۲۲	۰۰۳۹۵	۰۰۳۶۸	۰۰۳۴۱
۰۰۵۵۸	۰۰۵۳۱	۰۰۵۰۴	۰۰۴۷۷	۰۰۴۵۰	۰۰۴۲۳	۰۰۳۹۶	۰۰۳۶۹	۰۰۳۴۲
۰۰۵۵۹	۰۰۵۳۲	۰۰۵۰۵	۰۰۴۷۸	۰۰۴۵۱	۰۰۴۲۴	۰۰۳۹۷	۰۰۳۷۰	۰۰۳۴۳
۰۰۵۶۰	۰۰۵۳۳	۰۰۵۰۶	۰۰۴۷۹	۰۰۴۵۲	۰۰۴۲۵	۰۰۳۹۸	۰۰۳۷۱	۰۰۳۴۴
۰۰۵۶۱	۰۰۵۳۴	۰۰۵۰۷	۰۰۴۸۰	۰۰۴۵۳	۰۰۴۲۶	۰۰۳۹۹	۰۰۳۷۲	۰۰۳۴۵
۰۰۵۶۲	۰۰۵۳۵	۰۰۵۰۸	۰۰۴۸۱	۰۰۴۵۴	۰۰۴۲۷	۰۰۴۰۰	۰۰۳۷۳	۰۰۳۴۶
۰۰۵۶۳	۰۰۳۵۶	۰۰۵۰۹	۰۰۴۸۲	۰۰۴۵۵	۰۰۴۲۸	۰۰۴۰۱	۰۰۳۷۴	۰۰۳۴۷
۰۰۵۶۴	۰۰۵۳۷	۰۰۵۱۰	۰۰۴۸۳	۰۰۴۵۶	۰۰۴۲۹	۰۰۴۰۲	۰۰۳۷۵	۰۰۳۴۸
۰۰۵۶۵	۰۰۵۳۸	۰۰۵۱۱	۰۰۴۸۴	۰۰۴۵۷	۰۰۴۳۰	۰۰۴۰۳	۰۰۳۷۶	۰۰۳۴۹
۰۰۵۶۶	۰۰۵۳۹	۰۰۵۱۲	۰۰۴۸۵	۰۰۴۵۸	۰۰۴۳۱	۰۰۴۰۴	۰۰۳۷۷	۰۰۳۵۰
	۰۰۵۴۰	۰۰۵۱۳	۰۰۴۸۶	۰۰۴۵۹	۰۰۴۳۲	۰۰۴۰۵	۰۰۳۷۸	۰۰۳۵۱
	۰۰۵۴۱	۰۰۵۱۴	۰۰۴۸۷	۰۰۴۶۰	۰۰۴۳۳	۰۰۴۰۶	۰۰۳۷۹	۰۰۳۵۲